



هنرمند معروف کمیک فرانسوی:

بیشترین ظلم و خشونت در دنیای وسترن غرب وجود دارد

■ **معصومه طاهری**

جشنواره BDیا همان جشنواره بین‌المللی کمیک در باستیا نما‌یشگاهی بزرگوار کرده که نویسندگان کمیک با ژانرهای متفاوت در آن حضور داشتند. در این جشنواره که تا ۲ آوریل بر پا بود سعی شده تاریخ و اسطوره‌های غربی را در قالب کمیک ارائه بدهند. «فرانسوا بوک»، کاریکاتوریست بزرگ فرانسوی، نویسنده و طراح شخصیت‌های کارتونی مانند کاپوی تگزاس ولوک خوش شانس هم که با طراحی و سیاه قلم خود دنیای وسترن غرب را به تصویر کشیده‌از جمله هنرمندان این جشنواره بود؛ کسی که مجموعه کتاب کمیک «لی لی» نوشته شده توسط آلفاندرو خودوروفسکی را طراحی کرده و در قالب کتابی هفت جلدی منتشر نموده است. خبرنگار فیگارو در حاشیه این جشنواره با وی مصاحبه کوتاهی انجام داده است.

■ ■ ■

از دنیای وسترن در غرب خیلی

مطالب گفته شده است، چطور می‌توان به حقیقت آن دست یافت؟

من فکر می‌کنم نباید به وسترن در غرب به عنوان یک زیرمجموعه نگاه کرد. به عنوان مثال در هالیوود، برای همه چیز یک تعریف وجود دارد. وسترن غربی است. همه این فعالیت‌های افراد براساس آن انجام می‌گیرد. قهرمان داستان و وحشی‌گری، خشونت و بی‌اخلاقی می‌رود. خشونت و اخلاق اساس شخصیت افراد شده است. اصل داستان‌ها در فضای وسترن مبارزه با ظلم و ستم بیشترین ظلم و وحشی‌گری است. همه این عناصر در ایالات متحده بوده که هر کس از ما می‌تواند به خوبی شرایط آن را به تصویر بکشد مگر اینکه اخلاق اجازه بدهد تا تغییراتی در این فضا ایجاد کند و بگوید پرن من این را انجام نمی‌دهم. خود من سعی کرده‌ام تا اخلاق را در موضوعاتم پیاده کنم و اختلافات از تم‌های مورد علاقه من است.

آیا این مسئله جزو ضروریات است؟

به عنوان شخصیت به‌طورمستقیم برای انواع تپه‌ها محدودیتی قائل نیستم و به احتمال زیاد بیشترین ظلم و خشونت در دنیای وسترن غرب و قهرمانان آنها وجود دارد. قهرمان غرب مستقیماًدستخوش خشونت‌وحشی‌گری بوده است، به کرات هم در سینما به نمایش گذاشته شده هرچند همین افراد برای مهنوعان خود مظهر اخلاق و قهرمانی هستند.

شما می‌توانید یک مسورد برای ما بگویید؟

در فیلم وسترن آمریکایی ۱۰۳۰ به بوما (محمول ۲۰۰۷) به کارگردانی جیمز منگولد.

همه چیز در باره مادر در یادر مستند «ساحل»

مستند «ساحل» ساخته سیدحسین صافی سه حیاتی ترین مناطق دریایی که اقیانوس بین‌النساز به آن لقب صادر دریا داده‌اند می‌پرسد.از مستند «ساحل»از تولیداتسیما مرکز خلیج فارس که در بخش سابقه ملی نهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت حضور داشت، این هفته از شبکه مستند سیما پخش می‌شود. این مستند تلویزیونی به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سید حسین صافی در ۶۰ دقیقه به سفارش صدا و سیما ی خلیج فارس تولید شده است و

کارگردان آن که در حیطه ساخت مستندهای زیست محیطی فعال است، تاکنون آثاری چون «مازهای ایران»، «گنو» و «دگردیسی» را داشته است. صافی درباره مستند «ساحل» توضیح داد: سواحل حیاتی ترین مناطق دریایی هستند و از آن رو اقیانوس‌شناسان به

فراخوان جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

فراخوان سی و چهارمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران منتشر شد. فراخوان سنی و چهارمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران با هدف ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی و همچنین حمایت و تشویق مؤلفان، مترجمان، مصححان و ناشران متعهد کشور از سوی دبیر‌خانه این جایزه منتشر شد. دبیر‌خانه

فرهنگ‌و‌هنر

سرویس فرهنگی ۴۶۶۸۴۹۸۸

نقد آخرین فیلم ابراهیم حاتمی کیا

هشدار «بادیگارد» به نفوذ دشمن



گزارش یک اکرم ناظمی

■ **خلاصه فیلم**

هلی کوپتر معاون رئیس‌جمهور و هیبت همراه در منطقه‌ای حوالی یک قلعه آثار باستانی تاریخی، به زمین می‌نشیند. حیدر، بادیگارد معاون رئیس‌جمهور است و مشاور رئیس‌جمهور نفوذی است. عملیاتی انتحاری اتفاق می‌افتد و حیدر دیگر نمی‌خواهد سیاسی باشد و دیگر، محافظ رئیس‌جمهور نیست و این بار محافطت فرد دیگری مطرح می‌شود، که در این میان حوادثی تکان‌دهنده و قرار بدهم، از همان بچگی فرماناتی را دوست داشتم که باخلاق بودند. این برای خواننده کتاب و اکشن فوق‌العاده، پدید می‌آید.

■ **فرم و ساختار**

فیلم بادیگارد حاتمی کیا، پلیسی خوش‌ساخت و به لحاظ فرم، بسیار جذاب و دارای تعلیق، تقطیع و ذکوپاژ و میزآنسن خیلی خوب است و نسبت به آژانس شیشه‌ای به لحاظ ساختار و تکنیک پیشرفت قابل توجهی داشته است. حرکات دوربین و زوایای دوربین و اندازه، نماها حساب شده است. فیلم دارای نماهای اکشن و شلیک گلوله و انفجار خود را در اختیار می‌گیرد و در کنار سایر ماشین‌های تشریفاتی کاملاً مشخص است. تضاد مهندس و سحر حتی در صحنه توشاه و مولودرام کافی شاپ که سحر، ساز مخالف می‌زند، مشخص است. در جایی که مهندس می‌گوید دلم برای مادرم تنگ شده است، سحر می‌گوید: نه می‌خواهم و نه می‌توانم مثل مادر تو باشم و دوگانگی مهندس و همسرش با حلقه در آوردن سحر، به اوج خود می‌رسد.

نگرانی مسادر مهندس میثم زرین، که سراغ حیدر می‌آید و حرف‌از تلخی زبان یادگار سید میرزا، مهندس زرین، می‌زند و می‌گوید میثم ندونه من پیش شما بودم و سفارش‌شوی پیش شما کردم و حیدر شدن برای مهندس و در معرض گلوله قرار گرفتن و اینکه راضیه چادر خودش را روی حیدر می‌کشد، همراه حرکت دوربین خاص و میزآنسن فوق‌العاده و رسیدن به نور، سمبل رستگاری و دارای دکوپاژ روشنگرانه است. صحنه زد و خورد حیدر در پارک با اراذل و اوایل بازی فرم بود و صحنه پینت بال و شلیک تفنگ بادی، فرم گونه و کمیک بود و از جدی بودن فیلم می‌کاستت. کلوزآپ صورت حیدر، در زیشبه کاسکت بارون گرفته، در حالی که موتور سوار، بادیگارد مهندس است، همراه موسیقی با ملودی زیر متن غمناک و افکت کوبه‌ای، تضاد رفتاری و ناسازگاری مهندس با حیدر را می‌رساند.

اسیندود کردن مریلازاعی برای حیدر، بازی فرمیک در فضای خانه است. نمای تعقیب و گریز ماشین سفیر سیاهپوست خارجی و ناسازگاری مهندس با حیدر، اسیندود کردن مریلازاعی برای حیدر، بازی فرمیک در فضای خانه است. نمای تعقیب و گریز ماشین سفیر سیاهپوست خارجی و ناسازگاری مهندس با حیدر، موتورسوارها را احتمال بروز خطر، به لحاظ فرم و میزآنسن خوب در آمده بود. فیلم تا حد زیادی با سینمای پراکشن و وسترن و بزین بهادر و تعقیب و گریز روز جهان، نزدیک شده بود و به لحاظ تکنیک با آنها برابری می‌کرد.

■ **محتوا و درونمایه**

همسویی و اتفاق نظر حاج حیدر و الیاس از یک طرف و از طرف دیگر، همزنر بودن دختر حاج حیدر و شیلا خداداد، همسر مهندس زرین، در فیلم قابل تأمل است. پارادوکس حیدر و دخترش هم در فیلم مشخص است؛ حیدر به دخترش می‌گوید: الیاس پسر خوبی و دختر در پاسخ به پدر می‌گوید: «مشکلم شغله». من تو مدرسه نمی‌خوام حتی شغل شما رو بدونم و همماش دلشوره اینو دارم بیام فرداگاه، جنازه‌تون رو تحویل بدهند.» تناقض اشرفی و حیدر در فیلم، با عدم

■ **کارگردانی**

کارگردانی فیلم، به روز و معاصر است. این بار حیدر از جنس حاج کاظم آژانس شیشه‌ای است و با بازی عرب‌نیا در فیلم چ متفاوت است. فیلم نمادی از نفوذ و ورود داعش ساختگی امریکا در جهان و در منطقه و در سوریه است و نگاه بین‌المللی و جهانی دارد و در ساختار و تکنیک دارای نبوغ است. فیلم هم به لحاظ فرم و هم به لحاظ محتوا دارای پیشرفت است. دارای شخصیت‌پردازی، نقاط عطف، بازگر ی خوبی پرسنویی، دوکوپاژ، میزآنسن، تعلیق، سکانس‌های اکشن و تعقیب و گریز و شوک‌آور، حرکات دوربین، زوایا و اندازه نماهای فوق‌العاده است.

صحنه داخل سی‌تی اسکن و فلاش یک پشت سر، طواب گردن حیدر می‌زند

و فلاش یک مجروحین انتحاری، حساب شده و خوب از آب در آمده است. گریز خیابان با ماشین مهندس و موتور سواری حیدر خیلی خوب در آمده بود و از صحنه‌های به یادماندی فیلم است. بازگر درونی باایفا نقش محافظ، محافظی که بنا به شرایط امنیتی شغلی‌اش نباید زیاد با مردم و غیر خودی‌ها، رفت و شد کند و حرف بزند، ولی درعین حال در دل خانواده همکاران و خودی‌ها، خوب خودش را جا می‌گوید. دکتر و سپر خودت کردی؟

فیلم گلوله خوردن دکتر صولتی رو چند بار دیدم، خود و مونتاژ موازی، حیدر که به خود و قاب عکس در دستش، عطر می‌زند و راضیه، همسر حیدر به او می‌گوید: صاحب این خونه و مکان مقدس، می‌دونه تو در عملیات کوتاهی کردی.

سکانس پایانی تونل به ترح تصویربردار در تونل که باید در کنوین برداشته شود، بسیار تأثیرگذار و به یادماندی و فراموش نشدنی است.

■ **بازیگری**

در نگاه‌اول تصویر سردار سلیمانی، افتخار ایران و جهان، روی پرده سینما آمد؛ ولی نموده و در برابر آماج گلوله قرار می‌گیرد و بر سوگند با پروردگارش و با شغش یاداری می‌ماند.

■ **فیلمنامه**

ایده و موضوع خوب و به روز و معاصر راجع به اسطوره‌سازان، قهرمانان و محافظان سیاسی و هسته‌ای از وجود نفوذ دشمن، دارای باور پذیرسی و فضاسازی خوب، تفاوت‌های ادب‌ها را در سنجیده بود و فیلمنامه دارای نقاط عطف و اوج موزج بود. خواب عمیق حیدر را فریاد انتحاری اعلام نمود، حساس شده نوشته شده بود تا حیدر بتواند بیشتر زندگی را ادامه دهد و زیاد از حد شرمنده نباشد. کنتراست‌های دیالوگ‌ها و معرفی شخصیت‌ها، کاملاً مشخص و سنجیده و سینمایی بود.



انتخاب پرستویی برای نقش محافظ و نام حیدر خوب و باصلابت و درونی

■ **وزیر پوستی پرستویی**

■ **تحسین برانگیز است. او**

■ **بیشتر در خودش بود و بازی**

■ **درونی و زیر پوستی داشت**

■ **سبک**

■ **سبک فیلم اجتماعی و جهانشمول و بازی تر من جنگ**

■ **معاصر بین‌المللی حاکم در جهان و حضور داعش**

■ **ساختگی امریکا در منطقه است.**

■ **تحلیل و بررسی**

■ **شلوغی کیلمتری گیشه و سوت و تشویق و کف**

■ **پایانی تماشاچیان در سالن گویای همه چیز بود.**

■ **با وجود جنگ سوریه به کنونی و شهیدای مدافع حرم**

■ **و وجود داعش ساختگی توسط امریکا در منطقه و**

■ **شرایط امنیتی حاکم در ایران و منطقه و جهان. این**

■ **فیلم در زمره فیلم‌های روز و معاصر محسوب می‌شود**

■ **که تم اجتماعی دارد ولی زیر متن، با هوشتندی**

■ **کارگردان، به سبک جنگی که جهان را در بر گرفته و**

■ **بین‌المللی است، می‌پردازد که زیاد هم از حال و**

■ **هوای کارگردان صاحب سبک و مؤلف، دور نیست.**

■ **گریم سردار سلیمانی‌وار و نوع بازی بسیار**

■ **خوب پرسنویی، از جنس خاص شخصیت‌های**

■ **بادیگاردیست. او به اقتضای شغل امنیتی‌اش جز**

■ **بازی مهندس زرین، غیر از صحنه**

■ **مصنوعی استناد بودنش سرر کلاس و**

■ **فرمول‌های ریاضی پشت سرش، روی**

■ **تابلو خیلی خوب بود و بازیگر در نقش**

■ **و شخصیتش حل شده بود و نقش**

■ **مهندس انقلاب و نخبه هسته‌ای و نابغه**

■ **دهه ۹۰ بایک حمیدیان، خوب از آب**

■ **در آمده بود.**

■ **اما بازی راضیه، همسر حیدر، نسبت به**

■ **بازی‌های قبلی‌اش کمرنگ‌تر شده بود**

■ **و از بازی خاص مریلازاعی به دور است**

■ **و شاید داشتن نقش بازیگردانی وی در**

■ **فیلم بود که باعث شده بود، بازی خودش**

■ **را نبیند، بالاخص در مواجهه با مادر**

■ **مهندس زرین و سر تکان دادنش.**

■ **دیالوگ**

■ **حیدر می‌گوید: جونمو پای اعتقاد**

■ **می‌ذارم و مرفعی می‌گوید: الان دهه ۶۰**

■ **نیست، دهه نوده. و جایی مهندس زرین**

■ **به حیدر می‌گوید: با کسی که مواظبم**

■ **باشه مشکل دارم، و این دیالوگ‌های**

■ **ضد و نقیض، تفاوت‌های ادب‌ها را در**

■ **جامعه نشان می‌دهد. مریم به پدرش**

■ **می‌گوید: الیاس بین من و اعتقاداتش**

■ **یکی رو انتخاب کنه و در جایی الیاس**

■ **دلش می‌لرزد و حیدر به الیاس می‌گوید:**

■ **من به مردی که شغلش رو بازیچه زنش**

■ **کنه دختر نمی‌دم.**

■ **درجایی حیدر خطاب به اشرفی**

■ **می‌گوید: مرخصی می‌خوام تا روز**

■ **بازنشستگی و اشرفی می‌گوید:**

■ **نمی‌خوای محافظ سیاسی‌ها باشی؟**

■ **می‌فرستم جایی که سیاسی نباشه.**

■ **حیدر می‌گوید: دعات می‌کنم. این**

■ **خودش تناقض و حال و هوای حیدر**

■ **را می‌رساند که در وجدانش احساس**

■ **گناه می‌نماید که جواب افرادی که در**

■ **عملیات انتحاری از بین رفتند را چگونه**

■ **بدهد و فکر می‌کند مقصر اصلی خودش**

■ **بوده است نه عملیات انتحاری.**

■ **پارادوکس بین پدر و دختر در دیالوگ**

■ **مشخص می‌شود.**

■ **مریم به پدر می‌گوید: می‌ترسم از روزی**

■ **که نینموتون و جنازه‌تون رو تحویل**

■ **بدهند. در جایی بایک حمیدیان گفت:**